

چشمه های خروشان تو را می شناسند  
موج های پریشان تو را می شناسند  
پرسش تشنگی را تو آبی ، جوابی  
ریگ های بیابان تو را می شناسند  
نام تو رخصت رویش است و طراوت  
زین سبب برگ و باران تو را می شناسند  
از نیشابور بر موجی از « لا » گذشتی  
ای که امواج طوفان تو را می شناسند  
اینک ای خوب فصل غریبی سر آمد  
چون تمام غریبان تو را می شناسند  
کاش من هم عبور تو را دیده بودم  
کوچه های خراسان تو را می شناسند